

بخش ۵

دولت و اقتصاد

نقش دولت در اقتصاد

آیا دولت باید در اقتصاد دخالت کند؟

مقدمه

از زمان شکل‌گیری نخستین تمدن‌های بشری، نیاز به نهادی که اداره امور این جوامع را به عهده بگیرد، احساس می‌شد. بنابراین، به تدریج نخستین دولت‌ها به وجود آمدند. از آن زمان تاکنون، نهاد دولت مسیری طولانی و پرفراز و نشیب را پشت سر گذاشته است. ماهیت این نهاد و میزان قدرت آن در جوامع مختلف، متفاوت بوده اما با گذشت زمان و تکامل جوامع و به‌ویژه دست‌یابی به فناوری‌های نوین و پیشرفت‌های سریع در تسخیر طبیعت و کشف قوانین حاکم بر آن، محدوده اقتدار دولت وسیع‌تر شده است به طوری که در عصر ما انسان‌ها وجود و حضور دولت را بسیار بیشتر از اعصار گذشته احساس می‌کنند.

با شکل‌گیری امپراتوری‌های بزرگ و گسترش حوزه اقتدار دولت‌ها تشکیلات دولتی پیچیده‌تر شد و این نهاد در جوامع بشری نقش مهم‌تر و جدی‌تری را به عهده گرفت. با وجود این، دولت‌ها - چه بزرگ و چه کوچک - در دوران گذشته وظایف محدود و نسبتاً مشخصی داشتند که شامل حفظ نظم جامعه و مقابله با تجاوز دشمنان بود.

با گذشت زمان دولت‌ها به تدریج به محدوده اقتصاد جامعه نیز نفوذ کردند و با

شهروندان خود روابط مالی برقرار نمودند. این روابط به دو شکل اعمال می‌شد: اخذ مالیات و خراج از مردم و هزینه کردن این مالیات‌ها به صورت‌های مختلف؛ از جمله: پرداخت حقوق کارکنان کشوری و لشکری و سایر هزینه‌های جاری دولت. به علاوه، دولت‌ها در مواقع قحطی و گرانی نیز به اقدامات خاصی دست می‌زدند.

با این حال، نقش اقتصادی دولت‌ها در زمان‌های گذشته در مقایسه با امروز بسیار کم‌رنگ و محدود به موارد خاص و حالت‌های استثنایی بوده است. به این ترتیب، دولت‌ها بیشتر حافظان نظم و امنیت و مدافع ملت‌ها در مقابل دشمنان داخلی و خارجی بودند و برای تأمین هزینه‌های مربوط به این فعالیت‌ها، به جمع‌آوری مالیات اقدام می‌کردند اما امروزه دولت‌ها در عرصه اقتصاد فعالیت بسیار گسترده‌ای دارند و حضورشان را در اقتصاد جامعه نمی‌توان نادیده گرفت. آنها علاوه بر حفظ نظم و امنیت، وظایفی نظیر هدایت جامعه در مسیر رشد و توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال، مقابله با تورم و حفظ ثبات اقتصادی و نظایر آن را نیز برعهده گرفته‌اند.

فعالیت ۱-۵

- ۱- در مورد ضرورت تشکیل دولت در جامعه گفت‌وگو کنید.
- ۲- نقش اقتصادی دولت را در جوامع گذشته و امروز مقایسه کنید.

نقش اقتصادی دولت

در جامعه امروزی، دولت چه نقشی در اقتصاد دارد؟ هدف او از حضور در عرصه اقتصاد جامعه چیست؟

اهداف اقتصادی دولت را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

- ۱- اشتغال کامل: اشتغال کامل به وضعیتی اطلاق می‌شود که در جامعه همه جویندگان شغل، دارای شغلی باشند و بیکاری وجود نداشته باشد. در جوامع امروزی

معمولاً مشکل بیکاری وجود دارد و در بعضی جوامع - به ویژه جوامع در حال توسعه - این مشکل گاه به یک مشکل حاد و جدی اقتصادی، اجتماعی تبدیل می‌شود. به دلیل آثار سوء اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیکاری، معمولاً دولت‌ها برای مقابله با این مشکل و مهار آن بسیار تلاش می‌کنند. بدین ترتیب، می‌توان گفت یکی از اهداف دولت در عرصه اقتصاد، ایجاد اشتغال کامل و مبارزه با بیکاری است. برای تحقق این هدف، دولت‌ها می‌کوشند شرایط رونق اقتصادی را فراهم آورند. در چنین شرایطی، فعالیت‌های تولیدی گسترش می‌یابند و تمایل تولیدکنندگان به استخدام نیروی کار جدید بیشتر می‌شود. این به معنای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و رسیدن به اشتغال کامل است.

فعالیت ۲-۵

در مورد علل بیکاری در شهر یا منطقه محل زندگی خود تحقیق کنید.

۲- ثبات قیمت‌ها: هدف دیگر دولت در عرصه اقتصاد، جلوگیری از افزایش قیمت‌ها و مهار تورم است. در شرایط تورم، قیمت کالاها و خدمات به سرعت افزایش می‌یابد و اقتصاد کشور دچار اختلال می‌شود. به دلیل افزایش قیمت کالاها و خدمات، افراد کم درآمد جامعه برای تأمین کالاهای موردنیاز خود با مشکلات جدی روبه‌رو می‌شوند. در نتیجه، سطح رفاه عمومی کاهش می‌یابد. در این شرایط، تلاش دولت بر این است که تا حد ممکن از افزایش قیمت‌ها جلوگیری کند و با اتخاذ سیاست‌های مناسب، تورم را مهار و قیمت‌ها را تثبیت نماید.

فعالیت ۳-۵

برای مبارزه با افزایش قیمت‌ها چه راه‌هایی وجود دارد؟ در این باره بررسی کنید.

۳- رشد و توسعه اقتصادی: به دلیل فاصله چشمگیری که از نظر سطح زندگی و امکانات بین جوامع توسعه یافته و در حال توسعه پدید آمده است، دست یابی به توسعه اقتصادی و طی مراحل پیشرفت مادی برای کشورهای در حال توسعه به گونه‌ای که به کاهش فاصله مذکور منتهی شود، هدف مهمی است. نقش دولت در اقتصاد، این هدف مهم را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سیاست‌های اقتصادی دولت می‌تواند حرکت جامعه را به سمت توسعه کند سازد یا برعکس بر سرعت آن بیفزاید. بررسی تجربه توسعه در کشورهای پیشرفته نیز نشان می‌دهد که دولت‌ها در حرکت این گونه جوامع به سمت توسعه یافتگی تأثیر به‌سزایی داشته‌اند.

امروزه در اکثر کشورهای در حال توسعه، دولت‌ها با جدیت تمام از طرح‌های توسعه سخن می‌گویند. برای دست‌یابی به رشد و توسعه بیشتر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری می‌کنند و با این هدف و آرمان به عرصه اقتصاد کشورها وارد می‌شوند.

۴- بهبود وضع توزیع درآمد: مقابله با فقر و ارتقای سطح زندگی اقشار کم درآمد و فقر جامعه همواره یکی از اهداف مهم و مورد توجه دولت‌ها در جوامع مختلف بوده است.

از یک سو مصلحان اجتماعی و معلمان اخلاق بر ضرورت حمایت و کمک اقشار ثروتمند به فقرا و افراد کم درآمد تأکید کرده‌اند و از سوی دیگر، نهضت‌های اجتماعی - سیاسی بزرگ با شعار تلاش برای بهبود زندگی فقرا شکل گرفته و گسترش یافته‌اند.

از دیدگاه اقتصاددانان رفیع فقر و حمایت از اقشار کم درآمد، راهی برای گسترش توسعه اقتصادی و نیز حرکتی در جهت تسریع روند توسعه یافتگی جامعه است؛ زیرا فقر گسترده می‌تواند مانعی بر سر راه توسعه همه جانبه جوامع باشد.

در این زمینه دولت‌ها، با توجه به ضرورت مقابله با فقر معمولاً به طراحی و اجرای سیاست‌هایی می‌پردازند که بتواند ابعاد فقر را در جامعه محدود کند. بنابر آنچه گفته شد، این هدف را نیز می‌توان یکی از اهداف دولت در عرصه اقتصاد جامعه تلقی کرد.

منظور از دخالت دولت چیست؟

فعالیت‌های دولت در عرصه اقتصاد را در دو محور عمده می‌توان بررسی کرد :

۱- عرضه کالاها و خدمات،

۲- وضع قوانین و سیاست‌گذاری در اقتصاد.

۱- عرضه کالاها و خدمات : دولت می‌تواند با سرمایه‌گذاری، در بازار بعضی از

کالاها و خدمات وارد شود و به تولید، عرضه و فروش آنها بپردازد. در این زمینه، دولت با تأسیس شرکت‌ها و مؤسسات مختلف که به نام شرکت‌های دولتی شناخته می‌شوند، اقدام به فعالیت می‌کند.

ممکن است دولت مایل به تولید و عرضه بعضی کالاها باشد و بهره‌برداری از برخی منابع و معادن را خود عهده‌دار شود. برای مثال، کشف، استخراج، تصفیه و توزیع فرآورده‌های نفتی را به عهده بگیرد و با تأسیس یک شرکت، این فعالیت‌ها را انجام دهد. به این ترتیب، دولت با عرضه و فروش فرآورده‌ها، درآمد کسب می‌کند.

همچنین ممکن است در برخی زمینه‌ها مردم و به عبارت دیگر، «بخش خصوصی» حاضر به سرمایه‌گذاری نشوند. دلیل این کار نیز می‌تواند عدم اطمینان از سودآوری، نیاز به سرمایه اولیه بسیار زیاد یا عوامل دیگر باشد. در این حالت، دولت ناچار به سرمایه‌گذاری در این زمینه می‌شود و کالاها و خدمات موردنیاز مردم را عرضه می‌کند. بعضی از شاخه‌های صنعت که به سرمایه اولیه بسیار زیادی نیاز دارند - نظیر تولید فولاد - از این نوع هستند.

علاوه بر این، ممکن است در بعضی شرایط خاص دولت به ناچار برخی مؤسسات تولیدی و تجاری را تحت پوشش بگیرد و بدین ترتیب در بازار تولید و عرضه بعضی کالاها و خدمات درگیر شود. این وضعیت پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کشور ما اتفاق افتاد و دولت به ناچار مالکیت و اداره برخی واحدهای صنعتی و تولیدی را به عهده گرفت. بدین ترتیب تعداد زیادی مؤسسات وابسته به دولت (در زمینه اقتصاد) ایجاد شدند.



۲- وضع قوانین و سیاست‌گذاری در اقتصاد: دولت برای هدایت اقتصاد در مسیر مطلوب و موردنظر خود و با هدف ایجاد نظم و انضباط در عرصه فعالیت‌های اقتصادی جامعه، قوانینی را وضع می‌کند و سیاست‌هایی را برای اجرا در کشور طراحی می‌نماید. برای مثال، جهت جلوگیری از واردات کالاهای خاص به کشور قوانینی را وضع و اجرا می‌کند یا برای تشویق تولیدکنندگان به فعالیت بیشتر و تولید برخی کالاها، امتیازات و امکاناتی را در نظر می‌گیرد.

به‌طور کلی، دولت با در نظر گرفتن تصویری از آینده اقتصاد و مشخص کردن اهداف آن، سعی می‌کند فعالیت‌های اقتصادی جامعه را به سمت و سوی موردنظر خود هدایت کند. هدف‌هایی نظیر کاهش مصرف‌گرایی، محدود ساختن واردات و مصرف بی‌رویه کالاهای وارداتی، برنامه‌ریزی در جهت به‌کارگیری فناوری‌های نوین، افزایش فعالیت‌های تولیدی، سرمایه‌گذاری در مناطق محروم کشور را می‌توان از طریق طراحی و اجرای سیاست‌های مناسب دنبال کرد.

اندیشمندان و اقتصاددانانی که فعالیت‌های دولت را در عرصه اقتصاد ارزیابی می‌کنند، معمولاً با نکته‌سنجی‌های خاص، نکات ظریف و درخور توجهی را مطرح می‌سازند و با توجه به شواهد و تجربیات موجود، فعالیت و حضور دولت را در برخی عرصه‌ها تأیید می‌کنند یا مورد انتقاد قرار می‌دهند.

برای مثال، در عرصه فعالیت‌های تولید و عرضه کالاها و خدمات، از یک سو گفته

می‌شود که اگر دولت در این فعالیت‌ها درگیر نشود، این امور اصلاً انجام نمی‌پذیرند و این کالاها به مرحله تولید نمی‌رسند یا اینکه این کارها به روش مناسبی انجام نمی‌گیرد. بدین لحاظ، برخی اقتصاددانان با جدیت مدافع فعالیت‌های تولید و عرضه توسط دولت هستند. از سوی دیگر، برخی معتقدند که عملکرد مؤسسات تولیدی وابسته به دولت یا همان شرکت‌های دولتی، چندان مطلوب نیست؛ بسیاری از آنها زیان‌ده هستند یا سودآوری قابل ملاحظه‌ای ندارند. در حالی که اگر این شرکت‌ها تحت مالکیت بخش خصوصی فعالیت کنند، می‌توانند موفق و سودآور باشند. بدین جهت این گروه از اقتصاددانان توصیه می‌کنند که دولت مؤسسات وابسته به خود (شرکت‌های دولتی) را به بخش خصوصی واگذار کند و خود به دور از هیاهوی تولید کالا و خدمات فقط به سیاست‌گذاری و تدوین قوانین و هدایت اقتصاد پردازد.

در محدوده وضع قوانین و سیاست‌گذاری، دولت با فرض آگاهی کامل از وضع اقتصاد و آنچه باید انجام بگیرد، به تدوین قوانین و مقررات می‌پردازد. به عبارت دیگر، باید نسبت به مسائل مختلف اقتصادی کشور شناخت کامل داشته باشد تا بتواند قوانینی کارآمد را طراحی کند.

در این باب، برخی اقتصاددانان معتقدند دولت لزوماً در عرصه اقتصاد اطلاعات کافی ندارد و اگر براساس اطلاعات ناکافی خود به سیاست‌گذاری و دخالت در عرصه اقتصاد کشور اقدام کند، ممکن است به فعالیت‌های اقتصادی جامعه لطمه بزند. به هر حال، دخالت دولت در اقتصاد از نظر میزان دخالت، نحوه دخالت و حوزه‌هایی که باید دخالت صورت بگیرد، همواره مورد توجه اقتصاددانان و سیاستمداران بوده و خواهد بود.

فعالیت ۴-۵

یک واحد دولتی را که تولیدکننده کالا یا خدمتی است، نام ببرید. در مورد علل دولتی بودن این واحد در کلاس گفت‌وگو کنید.

پرسش

- ۱- اهداف اقتصادی دولت را فهرست وار ذکر کنید.
- ۲- چرا دولت‌ها برای تثبیت قیمت‌ها تلاش می‌کنند؟
- ۳- نقش دولت را در رشد و توسعه اقتصادی به اختصار توضیح دهید.
- ۴- چرا مقابله با فقر یکی از اهداف مهم دولت‌هاست؟
- ۵- تأثیر نحوه توزیع درآمد بر توسعه اقتصادی را تجزیه و تحلیل کنید.
- ۶- اندیشه مریکانتیلیست‌ها را تجزیه و تحلیل کنید.
- ۷- نظر مکتب کلاسیک در مورد دخالت دولت در اقتصاد چه بود؟
- ۸- بحران سال ۱۹۲۹ جامعه صنعتی چه پیامدهایی داشت؟
- ۹- تجربه اقتصادی آلمان در مورد دخالت دولت در اقتصاد، در سال‌های قبل از جنگ جهانی دوم مؤید چه نظریه‌ای است؟
- ۱۰- دولت فعالیت‌های خود را در اقتصاد به چه صورت‌هایی انجام می‌دهد؟
- ۱۱- دولت چگونه از طریق وضع قوانین و سیاست‌گذاری می‌تواند در اقتصاد دخالت کند؟
- ۱۲- دولت چه وقت می‌تواند قوانینی درست و کارآمد در زمینه اقتصاد طراحی کند؟